

مسئله‌ی اسپینوزا

www.ketab.ir

alom, Irvin D.

یالوم، اروین د.

مسئله‌ی اسپینوزا/ اروین د. یالوم؛ حسین کاظمی یزدی.
تهران: صبح صادق، ۱۳۹۲.

ISBN: 978-964-8403-94-7

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

The Spinoza Problem

عنوان اصلی:

اسپینوزا، بندیکتوس دو، ۱۶۳۲ - ۱۶۷۷ م. - داستان.

داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م.

کاظمی یزدی، حسین، ۱۳۶۱ -، مترجم.

۸۱۳/۵۴

م ۳۵۷۳/الف

۱۳۹۲

۳۰۲۲۴۴۶

کتابخانه ملی ایران

مسئله‌ی اسپینوزا

مطالعین د. یالوم

مسیح کاظمی نزدی

www.ketab.ir

مسئله‌ی اسپینوزا

اروین د. یالوم

حسین کاظمی یزدی

نویس: چاپ: اول

دریغ: چاپ: ۱۳۹۲

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۹۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۴۰۳-۹۴-۷

ناظر فنی: شروین عاقل مسجدی

چاپخانه: کتیبه

کلیه حقوق محفوظ است.

انتشارات صبح صادق

آدرس: قم صندوق پستی ۶۱۴۴

مرکز پخش: ۶۶۴۰۴۵۳۲



مقدمه

مدت زیادی بود که شیفته‌ی اسپینوزا بودم؛ و سال‌ها بود که می‌خواستم درباره‌ی این متفکر دلیر قرن هفدهمی، که بدون خانواده و جامعه در جهان تنها زندگی کرد، چیزی بنویسم، متفکری که کتاب‌های تألیف کرد که به راستی جهان را تغییر داد. او سیر سکولاریسم، شیوه‌ی سیاسی لیبرال دموکراسی، ظهور علوم طبیعی را سرعت بخشید و راه را برای عصر روشنگری هموار کرد. این واقعات که یهودیان او را در ۲۴ سالگی تکفیر و مسیحیان در بقیه‌ی عمرش آثارش را سانسور کردند، شاید به دلیل تمایلم به بت‌شکنی، همیشه برایم جالب بوده است. وقتی فهمیدم اینشتین یکی از اولین قهرمانانم، اسپینوزایی بوده است، این احساس شباهت با اسپینوزا در من تقویت شد. وقتی اینشتین از خدا حرف می‌زند، منظورش خدای اسپینوزایی است: خدایی که کاملاً با طبیعت یکی است، خدایی که دربردارنده‌ی همه‌ی جواهر است، و خدایی «که با جهان تاس بازی نمی‌کند». منظور اینشتین از این عبارت این است که هر چیزی که رخ می‌دهد، بدون استثنا، تابع قوانین منظم طبیعت است.

من همچنین معتقدم که نوشته‌های اسپینوزا هم، مانند شوپنهاور و نیچه - که دو تا از اولین رمان‌هایم را بر اساس زندگی و فلسفه‌ی این دو نویسنده - با کار من، که روانشناسی و روان‌درمانی است، ارتباط دارد - مثلاً این تصور که افکار و احساسات ناشی از تجارب قبلی‌اند، این‌که عواطف را می‌توان بدون اعمال سلیقه بررسی کرد،

این که تفکر به استعلا ختم می‌شود - و امیدوار بودم که بتوانم این مسائل را در قالب رمان بیان کنم.

ولی چطور می‌توان دریاره‌ی مردی نوشت که زندگی‌اش سراسر درگیری فکری بوده و درگیری خاصی با رویدادهای بیرونی نداشته است؟ او زندگی محرمانه‌ای داشته است و شخصیتش در آثارش نمایان نیست. من دریاره‌ی زندگی او هیچ چیزی که فی‌نفسه قابلیت روایی داشته باشد در دست نداشتم: نه ماجرای خانوادگی‌ای، نه جریان و حسادت عشقی‌ای، نه دشمنی‌ای و نه دعوا یا آشتی‌ای. او نامه‌های بسیاری دارد، ولی همکارانش پس از مرگ وی، بنا به وصیت خودش، تقریباً همه‌ی جنبه‌های شخصی موجود در نامه‌هایش را حذف کردند: نه، ماجراهای زیادی در زندگی‌اش وجود ندارد. بسیاری از متخصصان او را روحی آرام و ملایم می‌دانند؛ و برخی او را با قدیسان مسیحی - حتی خود مسیح مقایسه می‌کنند.

خوب: تصمیم گرفتیم رمانی دریاره‌ی زندگی درونی‌اش بنویسیم. تخصص شخصی‌ام می‌توانست مرا در این حوزه کمک کند تا داستانی دریاره‌ی اسپینوزا بنویسم. به هر حال، او یک انسان بود و حتماً درگیری‌هایی با تعارضات انسانی داشته است، تعارضاتی که من و بیماران بسیاری را، که طی سالان طولانی با آن‌ها کار کرده‌ام، آزار می‌دهد. او حتماً در برابر تکفیری که جامعه‌ی یهودی آمریکا در ۲۴ سالگی‌اش به او تحمیل کرده واکنشی نشان داده است، حکمی باطل‌نشدنی که به ستم‌های و دیان از جمله خانواده‌ی اسپینوزا، دستور داده است تا ابد از او دوری کنند. از آن به بعد، هیچ یهودی‌ای نباید با او حرف می‌زد، معاشرت می‌کرد، کتاب‌هایش را می‌خواند یا از فاصله‌ی پنج-شش متری به او نزدیک‌تر می‌شد. البته در چنین شرایطی، اگر یک زندگی درونی مربوط به تخیلات، عواطف، رؤیاها و اشتیاق‌های عشقی وجود نداشته باشد، هیچ کس نمی‌تواند به زندگی‌اش ادامه دهد. چهارمین کتاب اصلی اسپینوزا، اخلاق، به موضوع «رهایی از بند عواطف» می‌پردازد. در مقام یک روانشناس، مطمئنم که او اگر درگیری آگاهانه‌ای با عواطف خودش نمی‌داشت، نمی‌توانست این بخش را بنویسد.

با وجود این، سال‌ها سرگردان بودم، چون نمی‌توانستم داستانی پیدا کنم که رمان به آن نیاز داشت؛ تا این که پنج سال پیش سفر به هلند همه چیز را تغییر داد. من برای سخنرانی‌ای به هلند رفته بودم و برای پاداش درخواست کردم یک «روز اسپینوزایی»